

محققین و صاحب نظران تعلیم و تربیت خود، ریشه عقب افتادگی خویش در مسابقه تکنولوژی فضانوردی را مورد مذاقه و رسیدگی قرار دادند. آنها با اینکه می بایست تحقیقات و تکنولوژی فضایی خود را مقصر و علل عقب ماندگی از مسابقه فضایی در بخش مربوط بررسی می نمودند، می دانستند که ریشه همه چیز در آموزش و پرورش است و در حقیقت حتی پرورشی در تکنولوژی فضانوردی هم به آموزش و پرورش مربوط می شود. چند سال پیش هم تعدادی از محققین آمریکایی مقاله ای را تحت عنوان «ملتی در خطر» ارائه نمودند؛ در این مقاله به صراحت به ملت آمریکا، از آنچه که نویسندگان مقاله مشکلات آموزش و پرورش نامیده اند، هشدار داده شده بود. نویسندگان مقاله گفته اند خطر فعلی برای آمریکائیان تکنولوژی پیشرفته نظامی موجود در جهان بخصوص از جانب رقیب ابر قدرت آمریکا نیست (مقاله در زمانی که هنوز شوروی سابق وجود داشت نگاشته شده بود) بلکه خطر اصلی از ناحیه کشورهای است که با سرمایه گذاری بر روی تعلیم و تربیت خود به پرورش و تربیت نیروهای انسانی همت گماشته اند که هر کدام از آنها بالقوه از قدرت تهاجمی بمب های اتمی برای حیات اقتصادی، سیاسی آمریکائیان خطرناک تر است. به توصیه این نویسندگان باید علت را در آموزش و پرورش جستجو کرد و راههای این عقب افتادگی را بررسی و درمان نمود. واقعیت آن است که تمام ریشه ها در آموزش و پرورش است، سرمایه گذاری در آموزش و پرورش هر کشور، سرمایه گذاری در پیشرفت و عمران ملی آن کشور است. سوابق کشورهایایی چون ژاپن که توجه لازم و سرمایه گذاری مطلوب را بر آموزش و

برای کارایی بیشتر آموزش و پرورش کشورمان چه باید کرد؟

علیرضا عصاره

جهان معاصر نقش و ارزش ویژه آموزش و پرورش و جایگاه خاص آن در پیشرفت و تعالی جامعه جهانی را بخوبی دریافته است. قبل از آن نیز کشورهای که از نظر صنعتی و نظامی و... قدرتهای اصلی جهان به حساب می آمدند، بخصوص آمریکا و شوروی سابق به ارزش و اهمیت چنین نقشی وقوف داشتند. نخستین بار که شورویها، اولین فضاپیمای خود را راهی فضا نمودند، آمریکائیان با یک گردهمایی بزرگ از



پرورش معمول داشته‌اند نشان می‌دهد که این توجه و سرمایه‌گذاری با میزان پیشرفت در زمینه‌های مختلف رابطه مستقیم و معنی‌دار داشته است. در کشور ما که آموزش و پرورش بیش از ۳۴ درصد بودجه مملکت را به خود اختصاص داده است و البته اختصاص چنین سهمی از بودجه میزان توجه دولت را به امر آموزش و پرورش نشان می‌دهد در مقایسه با سرمایه‌گذاری لازم برای رشد و توسعه واقعی آموزش و پرورش فاصله زیادی دارد. این واقعیت را باید پذیرفت مدام که در کشور ما سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش اختصاص به دولت دارد حتی اگر نیمی از بودجه جاری دولت هم صرف هزینه‌های این بخش گردد، باز هم راه به جایی نخواهد برد. بخصوص با رشد سریع و غیر معقول جمعیت و افزایش بیش از حد نیروی جوان غیر شاغل. ما هنوز برای زیرپوش گرفتن جمعیت مربوط در نظام فعلی تعلیم و تربیت بخصوص در مقطع متوسطه، دچار بحران و مشکل هستیم تا چه رسد به اینکه بخواهیم وضعیت نظام آموزشی و پرورشی خود را متحول و با استانداردهای پیشرفته جهانی در تعلیم و تربیت هماهنگ نمائیم. نقش تحقیق در آموزش و پرورش به لحاظ بررسی وضعیت مطلوب آموزشی و کاهش افت تحصیلی هنوز در ابتدای راه و اهمیت خاص خود را نیافته است. نوسازی و اصلاح ساختار نظام تعلیم و تربیت کشورمان علی‌رغم بررسیهای همه‌جانبه و تدوین نظام نوین تعلیم و تربیت، حتی در آموزش متوسطه هنوز

امکان تحقق نیافته است. کمبود بودجه، آموزش و پرورش را در تهیسه و تدارک تکنولوژی آموزشی مطلوب با مشکل مواجه ساخته است. زیرا آموزش و پرورش اکنون تمام توان خود را مصرف ساخت فضای آموزشی مورد نیاز جمعیت فراوانی ساخته است که صرفاً برای زیرپوش آموزش قرار گرفتن، مقاضی ثبت نام در مدارسند. برنامه ریزی درسی و آموزشی متناسب به دلیل محدودیت متخصصین به کندی صورت می‌گیرد. در صورتی که در این قسمت نیاز شدید به نیروی متخصص و کارآرانه تنها در مراکز ستادی وزارت آموزش و پرورش که در مراکز استانها نیز محسوس است. تربیت معلم که تا حدودی از نظر کمی کفاف نیازهای آموزش و پرورش را در مقطع ابتدایی و راهنمایی می‌نماید به دلیل عدم جاذبه معلمی، قادر نیست نیروهای علاقه‌مند، خلاق و کارآر را جذب این بخش ارزشمند و حیاتی نماید. آمارهای افت تحصیلی نشان دهنده آن است که ما، هزینه‌های فراوانی را صرف تکرار پایه تحصیلی و آموزش‌هایی می‌نمائیم که به دلیل عدم برخورداری از امکانات مناسب آموزشی از قبیل معلم، فضا، تجهیزات و... دچار آن شده‌ایم. اگرچه طرح کلاسهای جبرانی تقویتی در یکی، دو سال اخیر در آموزش و پرورش به میزان قابل توجهی از افت آموزشی و تکرار پایه‌های تحصیلی کم نموده است اما باید توجه نمود هزینه‌هایی که صرف کلاسهای جبرانی و تقویتی می‌شود کمتر از هزینه لازم برای تکرار دوره نمی‌باشد،



تنها تفاوت، اخذ قسمتی از وجوه مربوط از مردم و خارج از بودجه آموزش و پرورش می باشد. در چنین شرایطی چه باید کرد؟ چگونه باید آموزش و پرورش، که کلید توسعه و پیشرفت ملی است از وضع موجود به وضع مطلوب توسعه و تحول پیدا نماید؟

خوشبختانه در سالهای اخیر توجه و عنایت مردم به اهمیت تعلیم و تربیت نونهالانشان بارور شده است. در سطح ملی مردم برای آموزش و پرورش فرزندان خود ارزش قائلند و ترجیح می دهند علی رغم تحمل مشقت و مشکلات مالی به منظور آینده تحصیلی فرزندانشان فداکاری نموده و هزینه های لازم را برای یک مدرسه بهتر تقبل نمایند. مردم امروز دریافته اند که رمز پیشرفت فرزندانشان بالاتر از آن کشورشان به تعلیم و تربیت بهتر و برتر وابسته است و به همین دلیل آمادگی لازم را برای هر گونه تلاش و مشارکت در زمینه های تحول در آموزش و پرورش نشان می دهند، به نظر می رسد از چنین زمینه ارزشمندی باید حسن استفاده را نموده و طرحهای مطلوب و مؤثر آموزش و پرورش را با مشارکت مردم فراهم کرد و به مرحله اجرا درآورد.

چه باید کرد؟

تقریباً امروز در تمام دنیا آموزش و پرورش با مشارکت مردم و با همت و همیاری آنها اداره می شود. اگر این امر برای مردم کشورمان تشریح گردد و آنان در چگونگی مشارکت در امر آموزش و پرورش توجیه شوند. نه تنها با چنین

طرحهایی مخالفت نخواهند نمود بلکه آنها به لحاظ اهمیتی که برای تعلیم و تربیت فرزندان خود قائلند هماهنگ با دولت و همیار با او عمل خواهند نمود. تشکیل مدارس غیرانتفاعی اگر چه اقدامی مفید است اما کل کار نیست، مدارس غیرانتفاعی به دلیل بهره گیری از امکانات بخش خصوصی تنها قادرند بخش خاصی از جامعه را که امکان پرداختن شهریه های این مدارس را دارند جذب نمایند. ضمن اینکه معلمان و دبیران خوب و ارزشمند و نیز مدیریت قوی و کارآرا جذب چنین مدارسی می شود. اما چنانچه طرح همیاری مردم با آموزش و پرورش بر اساس تعداد کل دانش آموزان به اجرا درآید آموزش و پرورش قادر خواهد بود هزینه قابل توجهی را صرف تحول آموزشی و پرورشی و تربیت نیروهای متخصص، و کارآیی مؤثر و مطلوب آموزش و پرورش بنماید. امروزه دولت تقریباً از بسیاری خدمات که به مردم عرضه می دارد، مالیات اخذ می نماید. شهرداریها برای اسفالت خیابانها عوارض می گیرند، بیمه های خدمات درمانی تحت عنوان بیمه درمان اشخاص ماهانه حق بیمه می گیرند. بیمه های مختلف و مالیاتهای مشخص درآمد و کالاها مستقیم و غیر مستقیم محاسبه و کسر می گردد، تنها آموزش و پرورش که یک خدمت ارزشمند و ریشه دار برای جامعه است مالیات یا هزینه ای ندارد، این امر چند ضرر دارد، مهمترین ضرر آن است که درآمد معینی بجز بودجه محدود و نا کافی

*** مدام که در کشور ما سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش اختصاص به دولت دارد حتی اگر نیمی از بودجه جاری دولت هم صرف هزینه‌های این بخش گردد، باز هم راه به جایی نخواهد برد. بخصوص با رشد سریع و غیر معقول جمعیت و افزایش بیش از حد نیروی جوان غیر شاغل.**

دولت برای امر بسیار مهم تعلیم و تربیت کشور وجود ندارد، در نتیجه آموزش و پرورش همواره باید از یک مقدار ثابت بودجه، علی‌رغم رشد و گسترش کمی جمعیت و پیشرفتهای کیفی جهانی که امکان برنامه‌ریزی برای آن وجود ندارد، تمکین نماید. دوم اینکه بعضی از خانواده‌ها به دلیل نداشتن هزینه در مدارس دولتی، در اندیشه چگونگی وضع تحصیلی و درسی فرزندان خود نبوده و آنها را به امید خدا رها نموده و از آنها غافلند، در صورتی که چنانچه هزینه‌ای بابت فرزندان خود تقبل نمایند، میزان مسئولیت و تعهد آنها در خصوص فرزندانشان افزایش یافته و در حد پرداخت هزینه، طلب سرویس و خدمت لازم را دارند، سوم آنکه علی‌رغم اینکه رشد جمعیت یک معضل اجتماعی فرهنگی در جامعه می‌باشد ولی اهرمهایی عامل کنترل آن می‌باشد به عنوان مثال اخذ هزینه تحصیلی، بطور غیرمستقیم عاملی باز دارنده برای تعداد فرزندان زیاد می‌باشد، کما اینکه آزادی از هزینه‌های تحصیلی، تشویقی غیرمستقیم بر رشد جمعیت به حساب می‌آید. چنانچه دولت که معمولاً برای سرویس‌های عمومی و اجتماعی از مردم

مالیات می‌گیرد برای سرویس‌دهی آموزشی هم مالیات بگیرد و این مالیات در حدود بیمه درمانی ماهانه کارمندان دولت باشد بودجه سالانه آموزش و پرورش از این طریق رقمی در حدود ۱۶۰ میلیارد ریال خواهد شد که با صرف چنین مبلغی در کنار بودجه دولتی تا حد زیادی توسعه آموزش و پرورش عملی می‌گردد و مردم نیز به دلیل مشارکتشان در امر آموزش و پرورش فرزندانشان تقید و التزام بیشتری در پی‌گیری امور و کنترل شرایط آموزشی و اعمال مطلوبیت بیشتر تعلیم و تربیت و نیز تا حدی کنترل موالید و جمعیت خواهند داشت. ممکن است گفته شود اخذ مالیات فوق برای بعضی از اقشار جامعه که معمولاً فرزندان بیشتری هم دارند مشکلاتی ایجاد می‌نماید. در این مورد پیشنهاد می‌شود دولت با در اختیار قرار دادن وام‌های درازمدت تحصیلی از طریق سیستم بانکی کشور تا پایان تحصیلات و ایجاد اشتغال، مشکل فوق را حل نماید و در عوض ارتقاء کمی و کیفی آموزش و پرورش را تضمین نماید. نکته دیگری که در این خصوص نیاز به تذکر دارد اینکه چنانچه دولت کار مدرسه‌سازی را نیز جزء طرحهای عمرانی خود قرار دهد و این امر را به شهرداریها در مناطق شهری و روستایی واگذار نماید، هم سرعت بیشتری به طرحهای مدرسه‌سازی خواهد بخشید و هم هزینه‌ای که در این بخش صرف می‌گردد در آموزش و پرورش مصرف امور آموزشی و درسی و رفاه حال معلمان و تقویت مدیریت خواهد گردید. شهرداریها در تمام اماکن شهری براساس نقشه جامع هر شهر موظف به تأمین فضای آموزشی مورد نیاز، فضای سبز اماکن عمومی، سرویس‌های عمومی و... می‌باشند و چنانچه جزو وظایف کارشان

*** تشکیل مدارس غیرانتفاعی اگر چه اقدامی مفید است اما کمال کار نیست، مدارس غیرانتفاعی به دلیل بهره‌گیری از امکانات بخش خصوصی تنها قادرند بخش خاصی از جامعه را که امکان پرداختن شهریه‌های این مدارس را دارند جذب نمایند.**

بعد از تأمین فضای آموزشی شهرها، براساس نقشه جامع، ساختمان مدارس هم اضافه شود، آنگاه جهاد مدرسه‌سازی همسوبا رشد جمعیت شهری سرعت خواهد گرفت و فضاهای مورد نیاز مدارس همچون پارکها و سرویس‌های عمومی به موقع ساخته شده و در اختیار مردم قرار خواهد گرفت، بدیهی است شهرداریها می‌توانند بودجه لازم برای ساخت مدارس را از محل عوارض که ابتیاعی تأمین نمایند، ولی امکانات و مقدمات بسیار بیشتر از ادارات آموزش و پرورش در مناطق و شهرهاست. همچنین در روستاهایی که فاقد شهرداری هستند این امر می‌تواند بوسیله بخشداری یا دهرداری انجام گردد. چنانچه بار عظیم هزینه فضای آموزشی از دل بودجه اختصاصی به آموزش و پرورش منفک شود و در صورتی که مردم بخشی از هزینه فرزندانشان را تأمین و در کار آموزش و پرورش مشارکت نمایند، آنگاه بودجه مؤثری برای اقدامات اساسی در آموزش و پرورش فراهم خواهد گردید، و این امر امکان برنامه‌ریزی مطلوب را برای خود کفا نمودن «آموزش و پرورش مردمی» که کلید آبادانی، پیشرفت و عمران جامعه ملی می‌باشد فراهم خواهد نمود.